

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۲۵ جنوری ۲۰۱۹

[خواب پریشان]

باز امشب دوستان خواب پریشان دیده ام
خویش را زنجیر پیچ زلف جانان دیده ام
شش جهت امشب به چشم من چراغان می خورد
قطره های اشک تا بر نوک مژگان دیده ام
امشب از جوش سرشک من چه می پرسى؟ مپرس
دامن خود را پر از دُر های غلتان دیده ام
من به دردِ فرقت دلدار می نالم ز شوق
دردِ او را از برای خویش درمان دیده ام
نیستم نادیده پیشم قصه حاتم مخوان
در جهان بسیار دسترخوان و مهمان دیده ام
نزد من پیراهنی باشد به طور یادگار
زانکه جوی شیر زان چاک گریبان دیده ام
در پی خوبان نمی گردد نمی دانم چرا
عشقوری را زین سر و سودا پشیمان دیده ام